



پیامدهای اصلاحات اقتصادی نئولیبرال بر شاخص‌های کلان اقتصادی عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳)

روح اله کهن هوش نژاد، علی پورآزاد^۲

۳۳

چکیده

ایالات متحده پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ سیاست‌های اصلاح اقتصادی مو سوم به تعدیل ساختاری را در عراق آغاز نمود. اما نتایج حاصل از این اصلاحات در طول دو دهه گذشته، پرسش‌های جدی را در مورد اثربخشی آن مطرح کرده است. مطالعه حاضر با استفاده از چارچوب نظری نئولیبرالیسم و روش‌های اقتصادسنجی، به بررسی ارتباط بین اصلاحات اقتصادی و شاخص‌های توسعه در عراق پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که رویکرد تعدیل ساختاری مبتنی بر اصول نئولیبرالیسم، نتوانسته به وعده‌های خود در زمینه رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و بازسازی عراق جامه عمل بپوشاند. در واقع، اصلاحاتی که بانک مرکزی عراق تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول در نرخ ارز (دینار عراقی) طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ اجرا نموده بر کاهش بیکاری تأثیر نداشته برعکس در افزایش آن سهمیم بوده است. اصلاحات مربوط به قانون سرمایه‌گذاری و اعطای وام‌ها و تسهیلات اعتباری به سرمایه‌گذاران نیز تأثیری در رشد اقتصادی و کاهش بیکاری در عراق طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ نداشته است. این نتایج نشان می‌دهد که راه خروج اقتصاد عراق از بحران نه پیروی از سیاست‌های اجماع واشنگتن بلکه برنامه‌ریزی برای تنوع بخشی به اقتصاد تا رهایی از اقتصاد است.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات اقتصادی، نئولیبرالیسم، ایالات متحده، عراق، مدل اقتصادسنجی، رشد اقتصادی، بیکاری.

دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۳

تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۷/۱۷

صص: ۳۲۷-۳۱۱

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار، گروه غرب آسیا و آفریقا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kohanhoosh@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات عراق از دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

اقتصاد عراق از مشکلات ساختاری و بنیادی متعددی رنج می‌برد. اقتصاد عراق یک اقتصاد باز بوده و بر صادرات یک محصول برای تامین بودجه سالانه خود متکی می‌باشد. این کشور یک کالا صادر می‌کند و کالاهای متعدد از کشورهای مختلف جهان وارد می‌کند. بر این اساس اقتصاد عراق به کشورهای صادرکننده کالا به آن کشور وابسته بوده و منبع درآمدی نفت پا سخگویی نیازهای کنونی و آینده اقتصاد عراق نیست. عراق در وضعیت بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی، اقتصادی، افزایش پدیده بیکاری، فقر و گسترش فساد در نهادهای مختلف کشور به سر می‌برد. درآمدهای نفتی نیز به صورت مستمر به دلایل نوسان قیمتی نفت، با عدم پایداری در درآمدها رو به رو است.

بخش نفت عراق بین ۶۰ الی ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و بین ۸۷ تا ۹۸ درصد از درآمدهای بودجه عراق را طی سال‌های مختلف از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ تامین کرده است. اقتصاد زیر ساختی عراق در زمینه کشاورزی، صنعتی، تولیدی و... دارای رشد تنازلی بوده که همین امر مانع کاهش اتکای آن کشور به درآمدهای نفت می‌شود (الشمری، ۲۰۱۷: ۴۸).

آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد نرخ بیکاری در عراق از حدود ۶ درصد در سال ۲۰۰۴ به بیش از ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده است (World Bank, 2023). درصد فقرا از کل جمعیت علیرغم فراز و نشیب‌ها و تفاوت میان استان‌های مختلف، از حدود ۲۲ درصد در سال ۲۰۰۴ به بیش از ۳۲ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده است (ساری فارس، ۲۰۲۱: ۱۳۳).

مشکلات و موانع اقتصادی در عراق ناشی از برخی عوامل داخلی و خارجی است. اقتصاد تک محصولی در عراق و بی‌ثباتی سیاسی در آن کشور آینده نام‌شخصی را در مسیر رشد اقتصادی عراق قرار داده که برنامه‌ریزی استراتژیک اقتصادی برای تنوع بخشی به درآمدها را با شکست مواجه کرده است. به هم خوردن اقتصاد عراق در نتیجه جنگ، اقدامات تروریستی، فساد اداری گسترده، اتکای به درآمد نفت و باز بودن اقتصاد عراق برای همه کشورها، عدم شفافیت برنامه‌های اقتصادی و... سبب شده دولت در عراق نتواند بودجه کل کشور را تامین نماید که به دنبال آن بی‌ثباتی امنیتی و سیاسی و ظهور تروریسم و مسائل دیگر سبب افزایش بدهی خارجی و داخلی در عراق شده است (وزارة التخطيط، ۲۰۱۵: ۲۲-۲۳).

ماهیت اقتصاد عراق طی سی سال منتهی به سال ۲۰۰۳ به اقتصاد رانتی توصیف شده و دولت به همه بخش‌های اقتصادی آن سیطره داشته که به نوعی هویت اقتصاد سوسیالیستی بر آن صدق می‌کرده است. پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به دلیل سیاست‌های ایالات متحده، اقتصاد لیبرالی عنوان مناسب‌تری برای اقتصاد عراق بوده چرا که اقتصاد عراق به لیبرالیسم روی آورده است. تغییر نظام سیاسی عراق بعد از سال ۲۰۰۳، سیاست‌های ایالات متحده برای اصلاح اقتصادی و تشویق و حمایت برخی از سازمان‌های بین‌المللی برای اتخاذ رویکرد لیبرال در عراق باعث این تغییر رویکرد شد. آمریکایی‌ها برخی الگوهای تقریباً غیر قابل اجرا در عراق را برای بازسازی اقتصاد عراق و تبدیل آن به اقتصاد آزاد در دستور کار قرار دادند در حالی که مکانیزم لازم برای تبدیل اقتصاد عراق به اقتصاد بازار فراهم نبود. ضمن این که بخش‌های مختلف اقتصاد عراق که از نواقص عمده و انباشته رنج می‌برد، نیازمند بازسازی اساسی بود (احمد عبد و یونس، ۲۰۲۱: ۱۰۷-۱۰۸).

باتوجه به وضعیت فوق، مطالعه استراتژی آمریکا در عراق پس از اشغال و پیامدهای آن بر اقتصاد عراق از ضرورت بسیار زیادی برای بحران‌پژوهی اقتصاد عراق برخوردار است. پرسش اصلی مطالعه حاضر این است که از زمان اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۳، اجرای سیاست‌های نئولیبرال چه تأثیری بر متغیرهای کلان اقتصادی عراق داشته است. از میان سه متغیر اصلی اقتصاد کلان یعنی تولید ناخالص داخلی، بیکاری و تورم، در این مطالعه دو متغیر اول انتخاب شده‌اند که نمایانگر رشد اقتصادی و وضعیت نیروی انسانی هستند.

۱. چارچوب نظری

نئولیبرالیسم اقتصادی یک مجموعه از باورها و توصیه‌های سیاستی است که بر استفاده از سازوکارهای بازار برای حل بیشتر مشکلات و نیازهای جامعه تأکید دارد. این رویکرد شامل جهانی شدن (باز کردن بازارها و تجارت جهانی)، رقابت (تشویق رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی)، بودجه متوازن (کنترل کسری بودجه و تورم)، مقررات‌زدایی (کاهش قوانین و مقررات دولتی)، خصوصی سازی (واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی) و انسان اقتصادی (تأکید بر انگیزه‌های فردی و منفعت‌طلبی) است. نئولیبرالیسم معتقد است که آزادی‌های کارآفرینانه و

مهارت‌های فردی در چارچوب نهادهای حامی بازار آزاد، بهترین راه برای پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی است (هاروی، ۱۳۸۶: ۸).

جان ویلیامسون، اقتصاددان بریتانیایی برای نخستین بار اصطلاح اجماع واشنگتن را در مورد تعدادی از نهادهای مالی به کار برد که همگی در واشنگتن مستقر بودند و سیاست‌های مشخصی را در خصوص اصلاحات اقتصادی به کشورهای پیرامونی تجویز می‌کردند. به بیان وی در ابتدا منظور از واژه واشنگتن در این ترکیب صندوق بین‌المللی پول بانک جهانی و بخش اقتصادی قوه مجریه ایالات متحده آمریکا بود. گرچه دست کم بانک توسعه کشورهای آمریکایی آن دسته از اعضای کنگره که به مسائل آمریکای لاتین توجه دارند و مؤسسات پژوهشی که درباره سیاست گذاری اقتصادی تحقیق می‌کنند نیز مشمول این اصطلاح می‌شوند. الگوی تعدیل ساختاری که همواره از سوی اجماع واشنگتن تجویز شده است سیزده مؤلفه اصلی دارد که عبارت‌اند از (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱۱۵):

- کاهش نقش دولت در اقتصاد
- کاستن از ارزش پول ملی
- آزادسازی تجارت و رفع کلیه محدودیتهای اعمال شده بر واردات
- خصوصی سازی صنایع و شرکت ها
- حذف یارانه ها و طبیعی کردن قیمت ها؛
- بازپرداخت سریع بدهی های خارجی
- موقتی سازی نیروی کار و تسهیل امکان خاتمه قانونی همکاری سرمایه گذاران و کارفرمایان با کارگران و کارمندان خود
- بالا بردن نرخ بهره
- مساعدت دولت در زمینه صادرات به ویژه مواد خام و اولیه
- فعال نمودن صرافی ها و عملی کردن سیستم ارز شناور
- آزادی ورود و خروج سرمایه واگذاری امتیازات به انحصارات و شرکت های چند ملیتی و استقرار از آنها
- کاهش مؤثر بودجه دولت و اعمال سیاست های انقباضی

➤ انجام اصلاحات نهادی همچون بازنگری در نظام مالیاتی

نئولیبرالیسم پدیده‌ای سده بیستمی است که فرایند رشد و گسترش آن در سه مرحله اتفاق افتاده است. نئولیبرالیسم در مرحله اول بیشتر در برگیرنده افکار اقتصاد دانانی بود که در برابر تلاطم‌ها و چالش‌ها علیه اقتصاد بازار که در دوره رکود بزرگ بین دو جنگ جهانی اوج گرفته بود موضع تدافعی داشتند. واژه نئولیبرالیسم اولین بار در سال ۱۹۳۸ از سوی اقتصاددان و جامعه‌شناس آلمانی الکساندر روستو ابداع شد. روستو واژه نئولیبرالیسم را به مثابه راهی در برابر جمع‌گرایی و البته اصلاح لیبرالیسم لسه فر مطرح کرد. اندیشه‌های نئولیبرال در مرحله دوم قوام‌یابی این مکتب ریشه عمیق‌تری پیدا کرد. تغییر عمده‌ای که در مرحله دوم ایجاد شد تشکیل پایگاه فکری قدرت مند نئولیبرال در آمریکا بود. در این دوره نسل جدیدی از نئولیبرال‌ها پا به عرصه ظهور گذاشتند که با توجه به مشکلات پیش روی اقتصادهای دولت رفاهی نفوذ عمیقی پیدا کردند. پس از این که مبانی نظری نئولیبرالیسم در مرحله دوم پخته‌تر شد و هواداران آن گسترش یافت زمینه برای ورود آن به فضای اجرایی اقتصادهای بزرگ غربی فراهم شد. مشخصه عمده مرحله سوم نئولیبرالیسم گرایش اقتصادهای پیشرفته غربی به آن است که در واقع از افول اقتصاد کینزی حکایت داشت دولتهای رونالد ریگان در آمریکا و مارگارت تاچر در بریتانیا پرچم‌داران اولیه این تغییر بودند ویژگی مهم دیگر مرحله سوم این است که نهادهای بین‌المللی بزرگی مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به سمت سیاست‌های نئولیبرال گرایش یافتند. لذا در تبیین سیاستهای تعدیل ساختاری از اصطلاح اجماع واشنگتن استفاده شد که از همکاری دولت آمریکا با نهادهای بین‌المللی برای الزامی کردن سیاست‌های تعدیل ساختاری در اقتصادهای موسوم به جهان سوم حکایت داشت. با این پیش‌فرض که علم اقتصاد نسخه واحدی برای همه کشورها دارد کل جهان در معرض طوفان نئولیبرالیسم قرار گرفت. اجرای سیاستهای نئولیبرال در اقتصادهای جهان فرایند پرفراز و نشیبی داشت. قرار شد سازوکارهای بازار آزاد تقویت و تحکیم شود، حتی اگر به بهای تحت فشار قرار دادن اقشار کارگر و کم‌درآمد تمام شود. تا پایان دهه ۱۹۸۰ نئولیبرالیسم به موقعیت هژمونیک رسید از این دهه کشورهای مختلف خواسته یا ناخواسته به اتخاذ سیاست‌های نئولیبرال روی آوردند. به این ترتیب مدل‌های دولت رفاهی و دولت توسعه‌ای در دهه پایانی سده بیستم هابی منسوخ و خارج از رده تلقی می‌شدند. در دهه ۱۹۹۰

روند استحکام و توسعه نئولیبرالیسم و جهانی شدن با قدرت ادامه یافت. هر چند با خیزش نیروهای مخالف مواجه بود. بزرگترین رویدادی که این روند را چند سال بعد به چالش کشید بحران جهانی ۲۰۰۸ بود. به علاوه از آن جا که تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داده بود که تعدیل ساختاری آن هم به صورت فوری نسخه نهایی و قطعی شده ای برای همه نیست تردیدها در مورد آن افزایش یافت (قنبرلو، ۱۳۹۸: ۱۷۹-۱۸۱).

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های اندکی درخصوص پیامدهای پیاده سازی سیاست‌های نئولیبرال در عراق پس از اشغال توسط آمریکا صورت گرفته است.

در محدود پژوهش‌های انجام شده به زبان فارسی، مرزه و نجف زاده (۱۴۰۱) با بررسی توصیفی مقوله تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ به این نتیجه رسیده‌اند که نظام سرمایه‌داری جهانی با رهبری ایالات متحده آمریکا به وسیله ایجاد یک شوک به کشور عراق این دولت را در اقتصاد بازار باز و سرمایه‌داری جهانی ادغام کرد. این اقدام نه تنها در جهت اصلاح برای دولت عراق نبود بلکه به دلیل اینکه حاصل یک عمل ناگهانی شوک‌آور با اشغال عراق بود و همچنین حاصل نیازهای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه عراق نبود، باعث چالش‌های متعددی در سطح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری، فقر، فساد اداری و مالی، رشد تروریسم، بالارفتن بدهی‌های خارجی و داخلی، از بین رفتن بخش خصوصی داخلی، محو اتحادیه‌های صنفی، بالارفتن فاصله‌های طبقاتی، نارضایتی ملی و رفاه نسبی، خارج شدن ثروت‌های کشور با ایجاد بخش خصوصی کاذب و غیر شفاف، تثبیت هرچه بیشتر اقتصاد رانتی، بالارفتن هزینه‌ها در بخش عمومی به خصوص کارمندان شد.

در مطالعات انجام شده به زبان عربی، عواد (۲۰۱۵) با رویکرد تحلیلی توصیفی اصلاحات اقتصادی انجام پس از سال ۲۰۰۳ را برای رشد و توسعه اقتصادی عراق ناکافی دانسته است. عمران (۲۰۱۹) نیز با رویکرد توصیفی به بررسی اصلاحات اقتصادی پس از سال ۲۰۰۳ پرداخته و ضمن اشاره به اینکه اهداف این اصلاحات در افزایش درآمدهای دولت و کاهش هزینه‌ها محقق نشده، بر برنامه‌ریزی برای تنوع بخشی به اقتصاد به عنوان چالش اصلی اقتصاد عراق تأکید

کرده است. حسن و همکاران (۲۰۲۰) با رویکرد تحلیلی اصلاحات اقتصادی صورت گرفته در عراق با نظارت صندوق بین‌المللی پول را بررسی و به این نتیجه رسیده‌اند که این اصلاحات بر برخی از متغیرهای اقتصادی اثر مثبت داشته لکن آثار اجتماعی منفی به دنبال داشته است. پژوهش‌های انجام شده به زبان انگلیسی نیز عمدتاً کیفی بوده‌اند برای نمونه، الیاسری (۲۰۲۰) با بررسی اصلاحات اقتصادی پس از اشغال، نتیجه می‌گیرد که جنگ را نمی‌توان به عنوان یک مداخله بشردوستانه خلاصه کرد. به ویژه تهاجم به کشوری بدون تایید شورای امنیت سازمان ملل، خود موجب ایجاد تردید در مشروعیت اصلاحات سیاسی و بازسازی اقتصادی کشور مورد تهاجم می‌شود. نویسنده تأکید می‌کند که در کنار وضعیت پیچیده سیاسی پس از سال ۲۰۰۳ در عراق، مداخله آمریکا اقتصاد این کشور را به نقطه صفر بازگرداند. با عنایت به ادبیات پژوهشی فوق، نوآوری پژوهش حاضر در تحلیل و تبیین نتایج سیاست‌های مدل اقتصادی نئولیبرال در عراق در دوره بیست ساله پس از اشغال (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳)، با رویکرد کمی و به کمک روش‌های اقتصادسنجی بر دو شاخص مهم تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) و نرخ بیکاری می‌باشد.

۳. اصلاحات اقتصادی در عراق

طی سال‌های گذشته، عراق به دلیل مبارزه با تروریسم بخش زیادی از منابع خود را از دست داده است. این درحالیست که قیمت نفت به عنوان منبع اصلی درآمدی این کشور دارای نوسانات قابل توجهی در بازارهای جهانی بوده و فساد مالی و اداری دولت‌ها نیز بر وخامت اوضاع افزوده است. روند اصلاحات اقتصادی در عراق از میانه دهه ۱۹۸۰ آغاز گردید. در آن زمان دولت اقدام به خصوصی سازی برخی از پروژه‌های صنعتی، بازرگانی و خدماتی نمود و قوانینی را در راستای رفع موانع مشارکت مردم در بخش‌های مختلف اقتصادی تصویب کرد. بدین ترتیب برخی از فعالیت‌های اقتصادی که دولت آنها را به صورت ناکارآمد اداره می‌کرد، به بخش خصوصی واگذار شد (فرج، ۲۰۱۷: ۱۰۹).

اصلاحات اقتصادی دهه ۱۹۸۰ چندان به طول نیانجامید و تحریم‌های اقتصادی متعاقب آن ساختار اقتصاد عراق را هدف قرار داد و باعث وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی شد. اصلاحات

اقتصادی نیمه دهه ۱۹۹۰ نیز بدون پشتوانه علمی و برنامه‌ای دنبال شد و با شکست روبرو گردید. اما پس از سال ۲۰۰۳ و در پی اشغال عراق توسط آمریکا، دولت خود را با مشکلات اقتصادی زیاد، چالش‌های جدید و اختلالات ساختاری عمیق مواجه دید که می‌بایست اصلاحات گسترده‌ای را دنبال کند. این اصلاحات با مشارکت صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی با هدف ثبات اقتصادی و آزادسازی تجارت خارجی آغاز شد. (Al-Rawi, et.al., 2021: 2).

اصلاحات اقتصادی در بخش تجارت خارجی با فرمان شماره ۱۲ سال ۲۰۰۳ آغاز گردید. مبنای این اصلاحات، سیاست درهای باز بود که به تعلیق کلیه حقوق، تعرفه‌ها و عوارض گمرکی و رفع هرگونه محدودیت اعمال شده بر عملیات بازرگانی منتهی شد. در سال ۲۰۰۴ فرمان شماره ۱۵ جایگزین فرمان قبلی شد که براساس آن یکسان‌سازی هزینه‌ها و تعرفه‌های گمرکی در هزینه واحدی به نام مالیات بازسازی عراق با نرخ ۵ درصد که از اول آوریل ۲۰۰۴ لازم الاجرا شد. در ادامه قیمت‌گذاری از دست دولت خارج شد و به مکانیزم عرضه و تقاضای بازار سپرده شد. با توجه به اینکه عمده کالاها وارداتی بود و با صادرات تک محصول نفت، تأمین می‌شد، قیمت در بازار داخلی تابع قیمت‌های جهانی و نوسانات قیمت نفت گردید (الموسوی و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۲۸).

پس از اشغال عراق، بوروکرات‌ها با ارتشی از کارشناسان و مشاوران اقتصادی پای خود را جای پای نظامیان آمریکایی قرار دادند. در ۲۲ می ۲۰۰۳ شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۴۸۳، برای به رسمیت شناختن ایالات متحده و بریتانیا به عنوان قدرت‌های اشغالگر در عراق صادر کرد. در این قطعنامه از ایالات متحده و بریتانیا خواسته شده بود تا «ارتقای رفاه مردم عراق را از طریق اداره موثر قلمرو» و ایجاد شرایطی که به عراقی‌ها اجازه می‌دهد «آینده خود را آزادانه تعیین کنند» فراهم کنند. "برمر" از این دستور جدید برای توجیه اجرای دستور کار گسترده‌تر اصلاحات اقتصادی نئولیبرالی رادیکال، اصلاحات مالیاتی گسترده و حذف تمام محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کرد. و تخصیص مجدد عمده منابع از کنترل افراد و دولت به شرکت‌های بخش خصوصی را اعلام کرد (Bremer, 2006).

فهرست اصلاحات جامع شامل؛ اصلاح سیستم بانکی، خصوصی سازی صنایع و باز کردن اقتصاد کشور به روی سرمایه‌گذاری خارجی بود. علی‌رغم نگرانی عراقی‌ها، حاکم نظامی آمریکایی عراق، بسته‌ای از اصلاحات اقتصادی در عراق را در قالب بازار آزاد رونمایی کرد.

اصلاحاتی که یادآور برنامه‌های شوک درمانی بود، که در اوایل تا اواسط دهه ۱۹۹۰ برای بسیاری از اقتصادهای در حال گذار اروپای مرکزی و شرقی انجام شد. به این شکل عراق یک شبه به بازترین اقتصاد در جهان عرب تبدیل شد. فهرست آرزوهای نئولیبرالی در عراق با محوریت پنج موضوع و مقررات کلیدی دنبال شد: ۱) اجازه مالکیت کامل خارجی و بازگرداندن سود. ۲) مجوز برای بانک‌های خارجی برای خرید سهام موجود، یا راه‌اندازی موسسات مالی در عراق. ۳) سقف ۱۵ درصدی مالیات بر درآمد شخصی و شرکتی. ۴) کاهش تعرفه‌ها به نرخ جهانی ۵ درصد. ۵) خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی (به جز نفت). (Looney, 2005: 135-36)

تعیین حداکثر سقف مالیات بر درآمد افراد و شرکت‌ها به میزان (۱۵٪) که قانون راهبرد مالیاتی، تعلیق برخی از مالیات‌ها و فعال‌شدن برخی دیگر را پیش‌بینی کرده بود، باعث شد؛ مرزهای عراق به روی کالاهای خارجی که از تمام نقاط جهان وارد می‌شدند؛ باز شود (الوقائع العراقية، ۲۰۰۴) و صنایع داخلی عراق را نابود کند.

بنابراین، در سال ۲۰۰۳، ورود ایالات متحده به عراق در یک سیاست گسترده‌تر برای اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طراحی شده بود. هدف تغییر رژیم در عراق بر اساس جاه طلبی موسوم به لیبرال کردن اقتصادهای خاورمیانه برای حذف اقتصاد دولت محور در عراق بنا شد. این جاه طلبی‌های اقتصادی زیربنایی داشت و از چند دهه قبل نام نئولیبرالیسم را به خود اختصاص داد. که از سه دهه گذشته حاصل تلاش سه گانه موسسات مالی جهانی اعم از: بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی به وجود آمده بود.

در واقع مقامات آمریکایی پس از سال ۲۰۰۳، راهبرد اقتصادی چندجانبه‌ای در عراق راه‌اندازی، که محورهای اصلی آن به شرح زیر بود (Abboud, 2008: 431)

- باز بودن کامل نهادهای عراق به روی جهان.
- اتخاذ مشوق‌های قوی و جذاب از جمله اعطای امتیازات و تسهیلات برای توسعه بخش خصوصی.
- اتخاذ بهترین استانداردها و رویه‌های بین‌المللی و تامین حداقل نیازهای اجتماعی مانند مسکن، کار و خدمات (برق، آب آشامیدنی، آموزش، بهداشت و غیره).
- دستیابی به نزدیکی و هم‌گرایی اقتصادی و مالی با نهادهای بین‌المللی

علیرغم تخصیص بخشی از مالیات‌ها به بازسازی، وعده بازسازی عراق محقق نشد و در زمان مدیریت پل برمر (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴) بیش از ۹ میلیارد دلار تخصیص یافته برای بازسازی به دلیل فساد و سوءمدیریت عراق هدر رفت. این ۹ میلیارد دلار از پول عراق که در بانک فدرال رزرو در نیویورک، سپرده شده بود، بدون محدودیت‌های حسابداری مناسب، سوابق سازمان‌یافته یا حسابرسی، هدر رفت و مانده حساب درآمدهای برنامه نفت در برابر نفت و همچنین پول عراق که از سال ۱۹۹۰ در ایالات متحده آمریکا مسدود شده بود، از بانک مذکور خارج و توسط مقامات آمریکایی به خارج واگذار شد (CNN, 2005). ایالات متحده آمریکا کنفرانس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را در این زمینه برای بازسازی عراق تدارک دید و آن را برگزار کرد، اما جهان به وعده آمریکایی‌ها در مورد برنامه بازسازی عراق پس از اشغال، عمل نکرد. دولت آمریکا در مورد مقادیر زیادی کمک‌های بلاعوض، وام و تسهیلات مالی، که از طریق کنفرانس مادرید، در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۳ برگزار و متعهد به تامین ۳۳ میلیارد دلار بود، صحبت کرد. اما به جز رنگ‌آمیزی نمای مدارس و برخی ساختمان‌ها، در واقع چیزی روی زمین بازسازی نشد (World Bank, 2003).

نظم اقتصاد نئولیبرال تحمیل شده توسط دولت موقت به خصوصی سازی و مقررات زدایی از بخش عمومی انجامید. این فرآیند تجدید ساختار به رهبری شرکت‌هایی آمریکایی و طبقه‌ای از کارآفرینان دایاسپورا که سودهای خود را از کشور خارج می‌کردند، شکل گرفت. بدین ترتیب، رژیم سیاسی شکلی به خود گرفت که امروزه در ادبیات سیاسی عراق به "المحاصصه الطائفیه" به معنی تقسیم قدرت و منابع دولت میان گروه‌هایی سیاسی است که براساس دستور کار مذهبی، قومی و فرقه‌ای شکل گرفته‌اند. به بیان ساده، این مقوله یک امر سیاسی و اقتصادی برای چانه زنی میان گروه‌های سیاسی عراق برای تقسیم دولت وزارتخانه‌ها و مؤسسات و خصوصی سازی منابع آن براساس یک سیستم سهمیه بندی قومی-فرقه ای به‌شمار می‌آید (Khoury, 2021: 19).

این پروژه توسعه نئولیبرال همان ویژگی‌های پروژه‌های خصوصی سازی در دیگر مناطق دنیا را داشته اما دارای چند ویژگی متمایز نیز می‌باشد. در عراق خصوصی سازی منابع دولت در نتیجه جنگ و در شرایط ضعف شدید حاکمیت صورت پذیرفته و با نظامی سازی سیستمی و امنیتی سازی زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقویت شده است. خشونت و ارعاب برای سرقت منابع ملی از ضروریات این کار بوده است. این خشونت با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳

آغاز شد و با استقرار نظام سهمیه بندی قومی-فرقه ای ادامه یافت. فسادى که اکنون در دولت عراق رخته کرده با غارت بودجه برنامه نفت در برابر غذا توسط وزارت دفاع به مبلغ بیش از ۸ میلیارد دلار آغاز شد و با خارج کردن بخشى از عواید نفتى عراق از طریق بانک فدرال رزرو نیویورک که قرار بود صرف بازسازی عراق شود، گسترش یافت (Worth, 2020).

۴. تبیین ویژگی‌های مدل و یافته‌های پژوهش

این بخش به بررسی اثرات سیاست‌گذاری مبتنی بر نئولیبرالیسم بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی عراق طی سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۳ می‌پردازد. این متغیرها عبارتند از تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱، سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)^۲، نرخ ارز (EXC)^۳ و بیکارى (U)^۴. براین اساس و در راستای بررسی روابط متقابل میان متغیرها، توابع زیر تعریف گردید:

$$GDP=F (EXC, TO)$$

$$U=F (EXC, TO)$$

در ادامه، گام‌های زیر با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews9^۹ برداشته شد:

گام اول: آزمون ریشه واحد برای همه متغیرهای داخل مدل (برای جلوگیری از مشکل رگرسیون نادرست (جعلی)، لازم است تا پیش از برآورد مدل ها، به بررسی مانایی و نامانایی متغیرها پرداخته شود. برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته (ADF)^۵ بهره گرفته شد).

جدول ۱: نتیجه آزمون ریشه واحد

I Difference		Level		متغیرها
Intercept	Trend	Intercept	Trend	
۰,۰۵۰	۰,۰۵۷	۰,۸۶۸	۰,۲۰۶۶	نرخ ارز (دینار عراق)

^۱Gross Domestic Product

^۲Foreign Direct Investment

^۳Exchange Rate

^۴Unemployment

^۵ نگاه کنید به: هیل و همکاران (۱۳۹۷)

^۹Augmented Dickey-Fuller

تولید ناخالص داخلی	۰,۹۸۳۵	۰,۰۶۵۹	۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۱۲
سرمایه‌گذاری خارجی	۰,۳۷۸۵	۰,۲۶۸۰	۰,۰۳۴۱	*۰,۰۱۷۵
بیکاری	۰,۰۷۱۲	۰,۴۶۶۳	*۰,۰۰۲۶	*۰,۰۰۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Eviews9

باتوجه به نتایج جدول فوق و سطح معناداری ۱ درصد برای متغیرهای تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی و نیز سطح معناداری ۵ درصد برای نرخ ارز، می‌توان به سراغ تحلیل هم‌انباشتگی رفت.

گام دوم: تحلیل هم‌انباشتگی (در این تحقیق به منظور برآورد رابطه هم‌انباشتگی و یا رابطه تعادلی و بلندمدت بین متغیرهای تولید ناخالص داخلی و درآمد گرد شگری، از روش جوهانسن استفاده شده است. آزمون جوهانسن تعیین می‌کند که آیا ترکیب خطی سری‌ها یک رابطه تعادلی بلندمدت را در بردارد یا خیر. تعداد بردارهای هم‌انباشتگی در سری‌های نامانا با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی و بر پایه آماره‌های آزمون اثر و آزمون بزرگترین مقدار ویژه تعیین می‌شود).

جدول ۲: نتیجه آزمون هم‌انباشتگی

متغیرها	فرضیه صفر	Statistic Max-Eigen	مقادیر بحرانی	Prob
تولید ناخالص داخلی	-	۶۷,۰۴۵۶۰	۴۷,۸۵۶۱۳	۰,۰۰۰۳
نرخ ارز	حداقل ۱	۳۴,۸۹۰۱۹	۲۹,۷۹۷۰۷	۰,۰۱۱۹
سرمایه‌گذاری خارجی	حداقل ۳	۴,۴۵۳۷۵۵	۳,۸۴۱۴۶۶	۰,۰۳۴۸
متغیرها	فرضیه صفر	Statistic Max-Eigen	مقادیر بحرانی	Prob
بیکاری	-	۱۳۴,۲۷۲۸	۴۷,۸۵۶۱۳	۰,۰۰۰۰
نرخ ارز	حداقل ۱	۶۰,۷۶۱۸۵	۲۹,۷۹۷۰۷	۰,۰۰۰۰

۰,۰۱۱۷	۳,۸۴۱۴۶۶	۶,۳۵۵۳۳۴	حداقل ۳	سرمایه گذاری خارجی
--------	----------	----------	---------	--------------------

منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Eviews9
 با توجه به رد شدن فرضیه صفر، حداقل یک بردار یکپارچه برای معادلات مدل وجود دارد.
 بنابراین می‌توان به سراغ برآورد مدل رفت.

گام سوم: برآورد مدل اقتصادسنجی با استفاده از روش رگرسیون هم‌انباشته^۱

جدول ۳: تخمین پارامترهای مدل

تولید ناخالص داخلی				
Prob	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	متغیرهای مستقل
۰,۰۰۰۰	۶۳,۵۹۹۳۲	۰,۰۰۴۴۵۰	۰,۲۸۳۰۱۳	نرخ ارز
۰,۵۷۵۸	۰,۵۵۹۴۸۸-	۰,۰۳۲۳۵۷	۰,۰۱۸۱۰۳-	سرمایه‌گذاری خارجی
بیکاری				
Prob	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	متغیرهای مستقل
۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۸۵۷۶	۰,۰۰۸۵۷۶	۰,۳۹۵۶۲۳	نرخ ارز
۰,۰۰۵۵	۷,۲۱۳۹۲۳	۰,۰۰۳۳۷۶	۰,۰۲۴۳۵۶	سرمایه‌گذاری خارجی

منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Eviews9

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که اصلاحات انجام شده در خصوص نرخ ارز (دینار عراق) اگرچه اثر مثبت با سهم حدود ۲۸ درصدی بر رشد اقتصادی داشته اما پیامد مطلوبی بر بیکاری طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ نداشته و سهم حدود ۴۰ درصدی در افزایش بیکاری داشته است. این مسأله بیانگر این واقعیت در اقتصاد عراق است که هماهنگی لازم میان سیاست‌های پولی و

Cointegrating Regression

مالی وجود ندارد. همچنین، سرمایه‌گذاری خارجی اثر منفی بر رشد اقتصادی (۱ درصد) و بیکاری (۲ درصد) داشته است.

گام چهارم: انجام آزمون‌های تشخیصی (آزمون‌ها و شاخص‌های زیادی در این زمینه وجود دارد، اما مهمترین آنها عبارتند از: R^2 ، Adjusted R^2 ، Std.Error).

جدول ۴: آزمون پایایی مدل برآورده شده

مدل	R-Squared	Adj. R	S.E.of regression	نتیجه نهایی
نرخ ارز	۰,۸۳	۰,۸۰	۰,۱۲	معنادار و قابل قبول
بیکاری	۰,۹۸	۰,۹۵	۰,۰۳	معنادار و قابل قبول

منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Eviews9

با عنایت به نتایج کمی ارائه شده در جداول فوق می‌توان نتیجه گرفت که:

- ✓ اصلاحاتی که بانک مرکزی عراق تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول در نرخ ارز (دینار عراقی) طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ اجرا نموده بر کاهش بیکاری تأثیر نداشته برعکس در افزایش آن سهم بوده است.
- ✓ اصلاحات اقتصادی پس از سال ۲۰۰۳ در خصوص قانون سرمایه‌گذاری و اعطای وام‌ها و تسهیلات اعتباری به سرمایه‌گذاران، تأثیری در رشد اقتصادی و کاهش بیکاری در عراق طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ نداشته است.

نتیجه گیری

اقتصاد تک محصولی نفت محور و عدم توانایی فعال کردن بخش‌های کشاورزی و صنعتی در عراق، سبب افزایش فقر و بیکاری و فاصله گرفتن با خودکفایی شده است. ظهور تروریسم در عراق و اشغال برخی مناطق غربی عراق، افزایش فساد اداری، نوسانات قیمت جهانی نفت و...، سبب رکود و ایجاد نوسان زیاد در اقتصاد عراق در سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۹ شد. ماهیت اقتصاد عراق طی سی سال منتهی به سال ۲۰۰۳ به اقتصاد رانتی توصیف شده و دولت به همه بخش‌های اقتصادی آن سیطره داشته است که به نوعی هویت اقتصاد سوسیالیستی بر آن صدق

می‌کرده است. پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به دلیل سیاست‌های ایالات متحده، اقتصاد لیبرالی عنوان مناسب‌تری برای اقتصاد عراق بوده چرا که اصلاحات اقتصادی در قالب سیاست‌های تعدیل ساختاری و شوک درمانی در عراق پیاده‌سازی شده است. تغییر نظام سیاسی عراق بعد از سال ۲۰۰۳، سیاست‌های ایالات متحده برای اصلاح اقتصادی و تشویق و حمایت برخی از سازمان‌های بین‌المللی برای اتخاذ رویکرد لیبرال در عراق باعث این تغییر رویکرد شد. آمریکایی‌ها برخی الگوهای تقریباً غیر قابل اجرا در عراق را برای بازسازی اقتصاد عراق و تبدیل آن به اقتصاد آزاد در دستور کار قرار دادند. در حالی که مکانیزم لازم برای تبدیل اقتصاد عراق به اقتصاد بازار فراهم نبود. ضمن این که بخش‌های مختلف اقتصاد عراق که از نواقص عمده و انباشته رنج می‌برد، نیازمند بازسازی اساسی بود. در سال ۲۰۰۳، ورود ایالات متحده به عراق در یک سیاست گسترده‌تر برای اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طراحی شده بود. هدف تغییر رژیم در عراق بر اساس جاه‌طلبی موسوم به لیبرال کردن اقتصادهای خاورمیانه برای حذف اقتصاد دولت محور در عراق بنا شد. این جاه‌طلبی‌های اقتصادی زیربنایی داشت و از چند دهه قبل نام نئولیبرالیسم را به خود اختصاص داده بود. این استراتژی منجر نتایج نامطلوبی بر اقتصاد عراق از جمله هدر رفت میلیارد دلار به دلیل فساد و سوءمدیریت به‌ویژه مدیریت ضعیف مالی، محقق نشدن وعده‌های بازسازی عراق و بیش برآورد هزینه‌های پروژه‌ها، از دست رفتن میلیاردها دلار درآمد مالیاتی و عوارض برای دولت عراق و تشدید وابستگی به واردات و ضعف تولید داخلی به دلیل باز کردن مرزهای تجاری با سایر کشورها شد.

فارغ از مباحث کیفی و تحلیل‌های توصیفی، نتایج آزمون‌های کمی در مطالعه حاضر نشان داد که طی دو دهه پس از اشغال عراق، اصلاحات اقتصادی به ویژه اصلاحات مربوط به نرخ ارز و مشوق‌های سرمایه‌گذاری در مجموع تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی و کاهش بیکاری در عراق نداشته است. این نتایج نشان می‌دهد که راه خروج اقتصاد عراق از بحران نه پیروی از سیاست‌های اجماع واشنگتن بلکه برنامه‌ریزی برای تنوع بخشی به اقتصاد تا رهایی از اقتصاد تک محصولی، هدایت و تقویت سرمایه‌گذاری داخلی به جای تکیه صرف بر سرمایه‌گذاری خارجی و خصوصی‌سازی تدریجی و اصولی است.

فهرست منابع

- مرزه، محمدحسین و نجف زاده، رضا (۱۴۰۱). تعدیل ساختاری نئولیبرالیسم و تأثیرات آن بر عراق پس از ۲۰۰۳ م. مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۵(۱)، ۷۷-۱۰۹.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۸). نقد نئولیبرالیسم از منظر مکتب فرانکفورت. غرب شناسی بنیادی، ۱۰(۱)، ۱۷۵-۱۹۸.
- مومنی، فرشاد (۱۳۸۶). اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری، تهران: نقش و نگار.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۶)، تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران: اختران.
- هیل، کارتر، سی لیم و گریفیتس (۱۳۹۷)، مبانی اقتصادسنجی، ترجمه روح‌اله کهن‌هوش نژاد، تهران: چالش.
- احمد عبد، زینب و یونس، عبد الزهره فیصل (۲۰۲۱). التنمية علی وفق مبادئ "الفلسفة الليبرالية" فی العراق للمدة ۲۰۰۴-۲۰۲۰.
- حسن، علی سعد و صالح، یاسین عیج و محمود اسلام محمد (۲۰۲۰). تقيم برامج الإصلاح الاقتصادي فی العراق بعد التعديل للفترة (۲۰۱۶-۲۰۰۳)، مجلة كلية بغداد للعلوم الإدارية الجامعة، العدد ۲۶، صص. ۲۲۳-۲۴۲.
- ساری فارس، ناجی (۲۰۲۱). الاقتصاد العراقي ما بعد عام ۲۰۰۳ التحديات والمعالجات. المجلة العراقية للعلوم الاقتصادية، ۱۹(۷۱)، ۱۲۶-۱۴۶.
- الشمري، تامر عبد العالی كاظم (۲۰۱۷). واقع الاقتصاد العراقي و متطلبات إصلاحه. مجلة المثنى للعلوم الادارية و الاقتصادية، مج. ۷، ع. ۱، صص. ۸۲-۱۰۵.
- عمران، ستار جابره (۲۰۱۹). منهجية الإصلاح الاقتصادي فی العراق دراسة تحليلية مجلة الإدارة والاقتصاد، المجلد ۲، العدد ۱۲۰، صص. ۴۸۵-۵۱۲.
- عواد، خالد روکان، (۲۰۱۵). الإصلاح الاقتصادي فی العراق بعد عام ۲۰۰۳ التجربة والتحديات، مجلة زانكو للعلوم الإنسانية، المجلد ۱۹، العدد ۱ (۲۸ فبراير/شباط ۲۰۱۵)، صص. ۵۹-۷۲، ۱۴.
- فرج، ماردین محسوم (۲۰۱۷) اثر تحرير التجارة الدولية علی التنمية المستدامة فی العراق مع إشارة إلى تقليص كردستان أطروحة دكتوراه جامعة المنصورة، جمهورية مصر العربية.
- الموسوي، عبد الوهاب محمد جواد، فرج، ماردین محسوم و محمد، هاواناز عمر (۲۰۲۳). أثر الإصلاح الاقتصادي علی بعض المتغيرات الاقتصادية الكلية فی العراق للمدة (۲۰۰۳-۲۰۲۱). وزارة التخطيط (۲۰۱۵)، قسم احصائات التنمية البشرية، <https://mop.gov.iq>

- <https://www.moj.gov.iq/view.2883> آذار ٣٩٧٨، العدد (٢٠٠٤)، الوقائع العراقية
- Abboud, Samer (2008). Failures (and successes?) of neoliberal economic policy in Iraq, Susquehanna University, International Journal of Contemporary Iraqi Studies Volume 2 Number 3, http://dx.doi.org/10.1386/ijcis.2.3.425_1
- AL. Yasiry, Enas (2020), Post 2003's War: US' Failure in Political and Economic Restructure of Iraq, Journal of Scientific Papers Social development & Security, <http://dx.doi.org/10.33445/sds.2020.10.5.1>
- Al-Rawi, Ahmed, Saud, Diaa Hussein, Hammadi, Ahmed Abbas (2021), Working. Capital Efficiency and the Reduction Risk-Case Study, Current Trends in Management and Information Technology, Volume (18).
- Bremer, Paul (2006). "Operation Iraqi Prosperity" Wall Street Journal, 20 June.
- CNN (2005), Audit: U.S. lost track of \$9 billion in Iraq funds <https://edition.cnn.com/2005/WORLD/meast/01/30/iraq.audit/>
- Iraq after 2003, <https://documents1.worldbank.org/curated/en/756971558074801741/pdf/The-Reconstruction-of-Iraq-after-2003-Learning-from-Its-Successes-and-Failures.pdf>
- Khoury, D. R. (2021). Iraq After US Occupation. Catalyst: A Journal of Theory & Strategy, 5(2).
- Looney, Robert (2005), Postwar Iraq's Financial System: Building from Scratch, Middle East Policy, Vol. XII, No. 1, Spring, <https://doi.org/10.1111/j.1061-1924.2005.00191.x>
- World Bank (2003). The Reconstruction of World Bank (2023). <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD?locations=IQ>
- Worth, Robert F. "Inside the Iraqi Kleptocracy," New York Times, July 29, 2020.